

محمود آذرنیوش \*

احد روانجو \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۵

## بررسی آلودگی بصری و شاخص های آن در شهرهای ایران (مطالعه موردی شهر شوشتر)

### چکیده

محیط و دنیای معاصر فضایی است آکنده از پیام ها و ارتباطات تصویری که روح و روان انسان را تحت تأثیر قرار داده و به طور مستمر با گذشت زمان رفتارهای انسان را شکل می دهد. محیطی که شهرهای امروزی ایران پیش روی شهروندان خود قرار می دهند از تأثیر تضاد و همسویی بسیاری از عوامل و مؤلفه ها بوجود آمده است که غالباً کیفیت محیط و زیباسازی شهری در این راستا فدای مقاصد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گردیده است؛ این کنش های بدون برنامه، افسار گسیخته و سودجویانه موجب گردیده که شهروندان امروزی با تصاویری نامناسب به لحاظ بصری روبرو شوند. به همین خاطر معضلی چون آلودگی بصری، آسایش و کیفیت محیط شهری آنها را دستخوش ناملازمات قرار داده و سبب بروز ناهنجاری های روانی و الگوهای رفتاری نامناسب گردیده است. از این رو پژوهنده به چپستی آلودگی بصری و شناخت شاخص های آن به لحاظ ذهنی، روانی، و بررسی این مشکل در شهر شوشتر می پردازد تا از این رهگذر بتواند چهارچوب و عواملی مشخص برای آلودگی بصری بدست دهد تا با شناخت هر چه بهتر آنها به زیباسازی و کیفیت بخشی محیط های شهری کمک گردد. پژوهش حاضر به شیوه کیفی و مطالعه میدانی با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اسنادی همراه با مطالب تحلیلی و مقایسه ای در مورد طراحی محیط شهری انجام گرفته است.

### کلید واژه:

آلودگی بصری

شهری

شوشتر

کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه چمران \*

mahmoudazarniush67@gmail.com

استادیار دانشکده هنر دانشگاه شهید چمران اهواز \*\*

ravanjoo.ahmad@gmail.com

## مقدمه

انسان با توجه به نیازها، ارزش ها و هدف های خود محیط را دگرگون می کند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می گیرد، به ویژه فناوری پیشرفته موجب می گردد تأثیر انسان بر محیط، شدت و سرعت یابد. برخی این دگرگونی سریع محیط را مخرب و موجب انحلال در نظام زیست محیطی «انسان-محیط» می دانند و بر این نکته تأکید دارند که نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط طبیعی، باید با توجه به تأثیر بلند مدت آن بر انسان و پیش بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد. دگرگونی سریع محیط از ویژگی های بنیادی دوران اخیر است. هر روز شهرها و محله ها و بناهای جدید ساخته می شوند. این گونه، معیارهای رفتاری را تقویت و برخی را تضعیف می نمایند و به طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می بخشند (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۲). فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت های شهری را نیز در بر می گیرد. یعنی کالبدی از شهر را مجسم می کند که مکان برقراری فعالیت های شهری یا عرصه ی بروز تعاملات اجتماعی است، به عبارتی شرط اصلی فضاها این است که در آنها تعامل و مرادده ی اجتماعی صورت گیرد. چنانچه آن رشته از فضاها شهری که بستر تعامل اجتماعی و تعاملات شهروندی قرار نمی گیرد را نمی توان فضای شهری دانست. فرانسیس تیبالزر فضای شهری را بخشی از بافت شهری می داند که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی یا بصری دارند. (راست بین و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می کند و در نتیجه نقش بسزایی در هویت بخشی و احساس آرامش به شهروندان دارد. زیبایی آراستگی و پاکیزگی و انسجام بخشی از ویژگی ها و معیارهای مهم ارزیابی شهر آرام بخش است. شهرهای امروز با تمام امکانات جدید، همانند گذشته قادر به تأمین آرامش و امنیت شهروندان نیستند. آن ها به دلیل تمرکز بالای جمعیت و فعالیت های خارج از مقیاس انسانی و فراوانی ماشین، به تدریج از شاخص های آرامش و امنیت فضای شهری فاصله گرفته اند. در جوامع امروزی محیط های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب های اجتماعی مؤثر بوده اند. با گسترش این آسیب ها، امنیت رنگ می بازد و جرائم بالا می رود و مردم در کنش های اجتماعی، محتاطانه عمل کرده و با هر اتفاقی ترس و دلهره در آنان دو چندان می شود و در نتیجه احساس ناامنی می کنند. (نصری، ۱۳۸۱: ۵۶).

از این رو پرسش هایی که مطرح می شود به این صورت است که:

- آلودگی بصری چیست؟

- آلودگی بصری چه شاخص هایی دارد؟

## مواد و روش ها:

در این تحقیق از روش های کیفی و توصیفی به تبیین و توضیح آلودگی بصری پرداخته شده و سپس با توجه به مطالعات کتابخانه ای و میدانی به توضیح شاخص های آلودگی بصری با رویکردی ادراکی و ذهنی در سطح شهرها بصورت کلی و بصورت موردی به شهر شوشتر که نمونه ای خوبی از شهر ایرانی اسلامی است پرداخته می شود. موادی که در این تحقیق به کار گرفته شده اسناد کتابخانه ای و همچنین عکاسی میدانی از شهر شوشتر است.

## چیستی آلودگی بصری

زشتی در زبان لاتین کلاسیک deformitas آمده است که کژی و کاستی را تداعی می‌کند، در متافیزیک فلسفه‌ی یونان باستان نیز مناسبت زیبایی با زشتی، نسبت خیر به شر، صورت به هیولا و هستی به هیچی ثبت شده است. زشتی در هنر تعریف واضحی ندارد و همیشه حد آن با زیبایی سنجیده شده است. اگر اثری هنری از هماهنگی و تناسب برخوردار نباشد، آن اثر زشت یا بد به نظر می‌آید، هماهنگی، تناسب، وضوح درکی از امر زیبا را تعیین می‌بخشد و منشا آنها عقل است که بازنمایی بیان واقعیت‌هایی در هنر است. (جعفری جلالی، ۱۳۸۶: ۱۵۶) ما هنگامی که چیزی را زشت می‌خوانیم دست کم منظورمان اینست که پدیده مزبور نازیباست یا در تعارض با زیبایی است. اما چگونه می‌توان این تضاد را دریافت؟ تلقی‌های کاملاً متفاوت از زشتی ناشی از شیوه‌های مختلف تقابل با آن زیبایی است و مجادلات صورت گرفته بر سر این تفاوت‌ها سابقه دراز دارند. این مناقشات به ظهور چهار دیدگاه یا مکتب انجامیده اند:

موافق دیدگاه اول، زشتی مقوله‌ای عدمی است. یعنی در نبود یا فقدان زیبایی است که ما امری را زشت می‌شماریم. خاستگاه این نظریه به افلاطون باز می‌گردد. مطابق دیدگاه دوم، زشتی صرفاً وضعیت قلب شده‌ی مقیاس زیبایی نیست، بلکه زشتی و زیبایی قطب‌های مخالف یک مقیاس واحد از ارزش زیبایی شناختی است. دیدگاه سوم امکان این درآمیختگی را پذیرفته، زشتی و زیبایی را در مقیاس واحدی قرار می‌دهد و می‌گذارد این دو مقوله به نهایت خنثی بودن خود دست یابند. دیدگاه چهارم با نفی این عقیده که زیبایی و زشتی به مقیاس واحدی از ارزش‌های زیبایی شناختی تعلق دارند از پذیرش تلاقی آن دو احتراز می‌کند. به همین صورت زشتی و زیبایی شاید دو مفهوم متمایز از یکدیگر باشند. (مور، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۸)

نخستین و کاملترین زیبایی شناختی زشتی را کارل روزنکرانتس Karl Rosenkrantz در سال ۱۸۵۳ نوشت و مقایسه‌ای میان «زشتی» و شرارت‌های اخلاقی انجام داد. روزنکرانتس به این باور سنتی بازگشت که «زشتی» متضاد «زیبایی» است، روزنکرانتس بررسی دقیقی از «زشتی در طبیعت»، هنر و معنویات انجام داد و قالب‌های متنوعی از زشتی هنری همچون «عدم تقارن»، «تعارض»، «کجی» از شکل افتادگی (مانند پستی، پیش پا افتادگی، خودسری و فریگی) و اقسام مختلفی از اشمئزاز (مانند مرگ، فاجعه، تهوع، جنایت، اهریمن، شیطان پرستی) را مشخص کرد. این سیاهه چنان طولانی است که فقط قادریم «زشتی» را متضادی با زیبایی حاصل از «هماهنگی»، «تناسب» و «هارمونی» بدانیم. (امبرتواکو، ۱۳۹۳: ۱۷۳ و ۱۷۲)

فرانک سیبلی در مقاله «مفاهیم زیباشناختی» تمایزی میان مفاهیمی که در زبان روزمره و نیز زبان هنری به کار می‌بریم، برقرار می‌سازد. سیبلی نتیجه می‌گیرد که مفاهیم زیبایی شناختی، کیفیاتی ادراکی هستند در مقاله‌ی «زیباشناختی و نازیباشناختی» به بررسی این مسئله می‌پردازد و به اثبات استدلال زیباشناختی در نقد هنری می‌پردازد. او سپس در مقاله‌ی «تکاتی درباره زشتی» نتیجه می‌گیرد که زیبایی و زشتی بر خلاف تصور رایج، صفاتی متضاد نیستند، زیرا هیچ چیز واقعاً زشت نیست. (کاشفی، ۱۳۹۲: ۴۵)

اما آیا آلودگی بصری همان زشتی است که در تضاد با زیبایی است و یا نه زشتی مراتبی از زیبایی است. چنانچه بخواهیم تعریفی از آلودگی بصری ارائه دهیم باید توجهی به زشتی یا نازیبایی داشته باشیم. در لغت نامه دهخدا آلودگی به لوث، آرایش، عادت به اعمال زشت تعبیر شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۸۴) در فرهنگ معین نیز به: ناپاکی، آرایش، لکه، عادت به اعمال زشت معنی شده است. (معین، ۱۳۶۴: ص ۸۴)

اگر آلودگی را چنان که در فرهنگ فارسی آمده ناپاکی در لفظ عام در نظر بگیریم آن وقت آلودگی بصری را می توان به ناپاکی بصری معنی کرد. ناپاکی فعلی است در سلب پاکی. بنابراین برای تعریف آلودگی بصری می توان چنین نتیجه گرفت که: زشتی های صوری بوجود آمده توسط آلاینده ها یا عناصر، که موجب سلب پاکی یا زیبایی محیط بصری می شود و زشتی، نازیبایی، ناپاکی و در کل آلودگی را از نظر بصری پدید می آورد. از نظر لینچ آلودگی بصری عبارتست از: هر گونه خللی که در هر یک از دو عنصر مفهوم و ادراک آن مفهوم پیش آید. به عنوان مثال، وجود اطلاعات مبهم، غیر قابل درک و یا نامربوط با مکان و... نوعی آلودگی نمادی محسوب می شود. همچنین وجود شمار زیادی اطلاعات در یکجا ممکن است به معنی از بین رفتن آن اطلاعات تفسیر شود. (لینچ، ۱۳۷۲: ۲۴ و ۲۳) چنانچه دو رویکرد عینی و ذهنی را نسبت به آلودگی بصری در نظر بگیریم، در این اینجا تاکید پژوهش بر روی جنبه ی ذهنی و ادراکی این آلودگی هاست.

## شاخص هایی که می تواند موجب آلودگی بصری در شهرها گردد:

### ۱- ناهماهنگی

هماهنگی و پیوستگی میان اجزای فضا و فعالیت های آنها در بافت های تاریخی ایران سبب می شود که این شهرها در نظر ناظر به شکل یک کل منسجم از اجزا جلوه نمایند. آنچه از کلیت در قالب یک ساختار منسجم، یک محله یک بافت شهری و یک شهر در ناظر به وجود می آید، فقط نتیجه تجمعی اتفاقی نیست که بین اجزای آن کل وجود دارد، بلکه کلیت منسجم چیزی بیش از مجموعه آن است. (اسمعیلیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۵، ۷۶) تفکر عمده در نظریه گشتالت اینست که نقش مایه های کلی، بر عناصر تشکیل دهنده شان برتری می یابند و خواصی را دارا هستند که ذاتا در خود آن عناصر موجود نیست. این نکته در عبارتی بدین شکل جمع آمده است: کل چیزی بیشتر از مجموع اجزایش است. (بدازاده نوین و همکاران، ۱۳۹۳: ۳) حال اگر اجزاء با هم هماهنگ نباشند کلی که روانشناسان گشتالت انتظار دارند از بین می رود و در شکل شهر یک ناهماهنگی به وجود می آید، این ناهماهنگی می تواند در برگیرنده بسیاری از معانی باشد. از جمله آشتفگی، تداخل، در هم آمیختگی، تضاد، اغتشاش و... مسعود نجابتی از هنرمندان با سابقه عرصه طراحی در مصاحبه ای در روزنامه جام جم می گوید: «بطور روشن یکی از تعاریف زشتی، نبود هماهنگی و هارمونی است که باعث لذت نبردن فرد از محیط پیرامونی خود می شود. امروز نبود تناسب بصری و ناهماهنگی، معضل بزرگی را در برابر شهرنشینان قرار داده است. (نجابتی، روزنامه جام جم، ۱۶ مهر ۱۳۹۲).

### – ناهماهنگی در کارکردها و عناصر دو بافت سنتی و مدرن

فکوهی کارکردهای شهر اسلامی را اینگونه بیان می کند: نخستین کارکرد شهر اسلامی را کارکرد سیاسی - نظامی می داند. که عنصر ارگ و بارو را بوجود می آورد، دوم کارکردهای دینی که خود را در فضای مسجد جامع و سایر مساجد شهر نشان می دهد و عنصر مسجد را بوجود می آورد، کارکرد دیگر اقتصادی است که عمدتاً در چارچوب بازار یا سوق ها متبلور می شود و کارکرد مسکونی که محله ها را بوجود می آورد. (فکوهی ۱۳۸۳: ۷۵، ۷۶، ۷۷) این عناصر شهرهای قدیم با بعضی عناصر بوجود آمده توسط شهر مدرن در شرایطی خاص ناهمگونی و ناهماهنگی بصری ایجاد کرده و باعث آلودگی بصری می شود. (تصاویر ۱، ۲) «در شهر مدرن انسان ها در فضایی با عناصر ثابت، نیمه ثابت و متحرک با هم ارتباط برقرار می کنند تا شیوه زندگی خاص خود را حفظ کنند. عناصری که به فضا سازمان می دهند سه دسته اند: ۱) عناصری که شکل آنها ثابت است و یا به تدریج تغییر میکنند مثل ساختمان، راه و دیوار ۲) عناصر نیمه ثابت مانند علائم، گیاهان، و اثاثیه شهری ۳) عناصر متحرک که شامل مردم و فعالیت ها و روابط اجتماعی آنهاست.» (تولایی، ۱۳۸۲: ۱۱۷) (تصویر ۳، ۴)

با توجه به عناصر ثابت و متحرک در محیط، از عناصر ثابت می توان به: تابلوها، تیر سیمانی، جعبه برق، چراغ راهنما، پایه پل، دکه روزنامه و ... اشاره کرد. همچنین از عناصر متحرک می توان به دستفروش ها و وسایل نقلیه، گدایان، منتظران اتوبوس و بسیاری دیگر اشاره کرد. (بحرینی، ۱۳۷۵: ۵۱، ۵۲)

### – ناهماهنگی در نمای ساختمان ها و استفاده از مصالح

نمای هر ساختمان در مجموعه شهری که در آن حضور دارد مؤثر است و این تأثیر را به بدنه خیابان ها یا میدان ها که در آن قرار گرفته است، انتقال می دهد. در واقع نمای شهری متشکل از بناهای شهری است. بنابراین وقتی که از دید معماری با این کلمه برخورد می کنیم اشاره مستقیمی به نمای ساختمان ها داریم. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۲) در واقع نمای ساختمان ها به صورت یک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می گردد، ترکیب های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از این رو قادرند که خیال آرامی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل بخش های عمده ای از ارتباط انسان با محیط اطرافش از طریق ارتباط بصری و ذهنی وی با ترکیب های معماری آن محیط اتفاق می افتد، این نوع ارتباط که خصلتی بسیار تجربیدی دارد، زمینه ای برای تحریک ارتباط های غیر تجربیدی تر و مشخص تر است. (صفا منش، ۱۳۷۳: ۱۸۰) حال اگر توجه کافی به نمای ساختمان ها وجود نداشته باشد، تفاوت ها موجب ناهماهنگی و اغتشاش می گردد. اما بسیاری از کارشناسان شهرسازی و معماری نگاه کاسبکارانه را دلیل ایجاد اغتشاش و ناهماهنگی های بصری در نماهای ساختمان ها می دانند. (تصویر ۵) سعید سادات نیا، مدیر جامعه معماران ایران در مورد این معضل سیر تاریخی آن را پیش می کشد و به روزنامه پایتخت می گوید: «معمارها تا سال ۱۳۵۰ ایده شان این بود که باید ویلا را برای یک آدم ثروتمند، زیاد و مدرن با یک مدرسه متفاوت بسازند و مطلقاً معماری شهرسازی را در پیوند با زندگی شهری و اجتماعی و همراه با یک شهر پویا و با این دیدگاه نمی دیدند. آنها این مسائل را با رشد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نمی دیدند و بیشتر نگاه



مکانیسمی حاکم بود». این کارشناس معماری نماهای مختلف در شهر را ناشی از وجود این دیدگاه غالب می داند و تشریح علل و ابعاد آن چنین توضیح می دهد: «در دوره ای نماهای آلکوبند (آلمینیومی) با رنگ های مختلف رواج داشت و در دوره ای نماهای شیشه ای و در دوره قبل تر نماهای رومی و یک دوره آجر ها، آجرهای سه سانتی، آجرهای بهمنی، باب روز بودند که هر چند ضرورت زمان و تکنولوژی عامل این جریان بود، اما نباید از نگاه کاسبکارانه که خیلی بیشتر از نگاه فرهیختگی و فرهنگی است، غافل شد». (سادات نیا، ۱۳۹۰) (تصاویر ۴، ۵)



تصویر ۲- ورودی مسجد جامع شوشتر - عکس نگارنده



تصویر ۱- ورودی مسجد جامع شوشتر - عکس؛ نگارنده



تصویر ۴- از خانه های شوشتری - عکس نگارنده



تصویر ۳- مناره مسجد جامع شوشتر- عکس نگارنده



تصویر ۶- اماکن مذهبی در شوشتر - عکس نگارنده



تصویر ۵- نمایی از خانه ها در اطراف میدان ۱۷ شهریور شوشتر - عکس نگارنده

## ۲- ازدحام

معنای لغوی ازدحام عبارتست از «شلوغی، انبوهی و تراکمی که مترادف با تکاثف و ناهماهنگی هاست» و اشاره به احتمالاتی که تراکم بیش از حد عناصر مشخص نظیر عوارض طبیعی، جمعیت و عوارض انسان ساخت، انباشتگی نامتعارفی را در حد سطح نشان می دهد. در چنین شرایطی شاهد بی نظمی یا آنتروپی در سیستم خواهیم بود. (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۸۶: ۷) (تصاویر ۷، ۸)

به وسیلهی قطع شدن منظم دید، ما در ذهن خود توهمی از یک نمایش مستمر با وضوح بالا از یک محیط بصری ایجاد می کنیم. از بین بردن این توهم به وسیله ی تلاش برای توصیف جزئیات اشیاء در میدان دید پیرامونی خود آسان است. به دقت بررسی کردن یا تلاش برای شمردن اشیاء در فضای پیرامونی بصری غیر ممکن است. این تا حدودی کاهش مشهود حدت بصری یا تیزی بینایی را در چشم انداز محیطی نشان می دهد. با این حال، گسترده ترین مانع برای خواندن و تشخیص شیء در فضای پیرامونی فرایند مرموزی است که به ازدحام شناخته شده است که اثر زیان بار به هم ریختگی در تشخیص شیء پیرامونی است. شیء هایی که به تنهایی به راحتی قابل تشخیص هستند در محیط های درهم و برهم و شلوغ غیر قابل تشخیص به نظر می رسند. ازدحام یک تنگنای ضروری است که بر درک شیء، چشم حرکات دست، جستجوی بصری، خواندن و شاید دیگر توابع در محیط، تنبلی چشم و گستردگی دید اعمال محدودیت می کند.

ازدحام نه تنها تمیز دادن ویژگی های اشیاء و رنگ ها را مختل می کند بلکه موجب اختلال در توانایی برای تشخیص و پاسخ مناسب به اشیاء در محیط های شلوغ می شود. بنابراین مطالعه ی ازدحام ممکن است منجر به درک فرایندهای مربوط به تشخیص اشیاء شود. ازدحام همچنین دارای پیامدهای مهم بالینی برای بیماران مبتلا به تباهی لکه زرد، تنبلی چشم و خوانش پریشی است. علاقه به مطالعه ی ازدحام در سال های اخیر افزایش یافته و به خودی خود منجر به درک پیچیده تر پدیده ها و همچنین درک فرایندهای درگیر در تشخیص شیء و خواندن گردید. لوی<sup>۳</sup> بیان می کند که "ازدحام معمای پیچیده شده در یک تناقض و پوشیده شده با یک مسئله ی بغرنج و پیچیده است." با وجود مقادیر زیاد مطالعه های جدید و قدیمی، هنوز درک کاملی از ازدحام نداریم. David Whitney and Dennis (M.) Levi, 2011, : 160 - 168

بیشترین ازدحام بصری در شهر شوشتر که در اغلب شهرهای ایران موضوعیت دارد مربوط است به عناصر شهری مانند تیر برق، سیم های برق و ...، در بیشتر موارد در شهر شوشتر تیرهای برق قدیمی که چوبی هستند دیده می شود و اغلب این تیرها فرسوده اند و فضای بصری بسیار آلوده ای را به نمایش گذاشته اند. اما ازدحام بصری در تبلیغات از جمله تابلوهای تبلیغاتی و نوشته های تبلیغی روی دیوارها و درها را می توان مشاهده کرد که فضای بصری شهر را شلوغ و مغشوش کرده است. (تصاویر ۹، ۱۰، ۷)

۲. macular degeneration

۳. Levi, D.M. (2008) Crowding – an essential bottleneck for object recognition: a mini-review. Vision Res. 48, 635–654



تصویر ۸- ازدحام و اغتشاش در عناصر ثابت شوشتر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۷- ازدحام در نوشته های گرافیکی و تابلوها در شوشتر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۰- ازدحام تابلو ها و تبلیغات، شوشتر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۹- ازدحام عناصر بصری و نقاشی ها و رنگ ها، شوشتر  
عکس؛ نگارنده

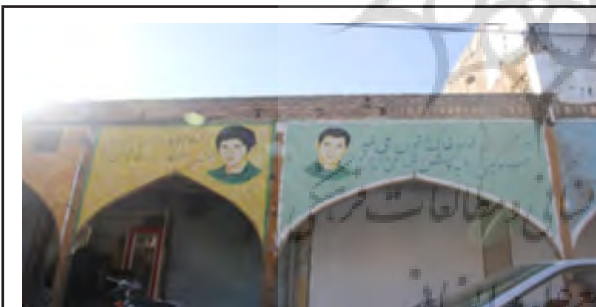
### ۳- فرسودگی

بافت فرسوده، آن بخش از فضای شهری است که نظام زیستی آن هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود دچار اختلال و ناکارآمدی شده است. در تعریفی دیگر می توان گفت، پهنه هایی از شهر که دچار افت شهری و تمرکز فضایی مشکلات شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی، ذهنی هستند را بافت های رو به زوال، فرسوده و یا نواحی محنت زده ی شهری می گویند. اینگونه بافت ها دچار کاهش یا اختلال در کیفیت های کالبدی و کارکردی خود گردیده اند. (توپچی سانی، ۱۳۸۹: ص ۳۳) اتخاذ سیاست های ناکارآمد در عرصه برنامه ریزی و مدیریت شهری در زمینه احیا و بهسازی بافت های فرسوده نه تنها امکان استفاده مجدد و حداکثری از این موقعیت را به مخاطره افکنده بلکه به تدریج موجب فرسودگی و ناکارآمدی بخش قابل توجهی از بافت های هسته مرکزی و میانی شهرها و ایجاد تضاد شدید بین بافت های شهری بویژه بافت های جدید که با تغییرات در نقش عملکردی خدماتی شهرها ایجاد شده اند گردیده است. (سجادی، ۱۳۹۰: ص ۵۶) این بافت ها علاوه بر وجود مسایل و مشکلات کالبدی فضای شهری را نیز دچار تنزل نموده و حضور انسان را در فضاهای شهری با معضل روبرو ساخته اند. (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ص ۳۵) مسلمانان فضاهای شهری بیش از حد فرسوده، مخروبه و بیغوله ها، بستر ناهنجاری های اجتماعی نیز می گردند و مکان هایی افسرده، مغشوش، ناامن و بدون مشارکت ساکنان را پی می ریزند.  
تا کنون طبقه بندی های مختلفی برای بافت های فرسوده صورت گرفته است، اما کلیه بافت های



فرسوده در هر نوع طبقه بندی که قرار داشته باشند، به سبب فرسودگی و ناپایداری کالبدی دارای خصوصیات مشابه و مشترکی هستند (عندلیب، ۱۳۸۷: ص ۲۹) عندلیب ۴ نوع بافت را مشخص می کند: بافت های شهری دارای میراث تاریخی و فرهنگی، بافت های شهری فاقد میراث ویژه تاریخی و فرهنگی، با نسبت های فرسوده روستایی-شهری و بافت های حاشیه ای (همان، ص ۳۹) در چارچوب یک شهر، می توان مفهوم فرسودگی را در ابعاد گوناگون همچون: ۱- فرسودگی کالبدی-سازه ۲- فرسودگی کارکردی ۳- فرسودگی بصری ۴- فرسودگی مکانی ۵- فرسودگی اقتصادی ارزیابی کرد. (زیاری، ۱۳۹۱: ص ۴) فرسودگی بافت های قدیمی و تاریخی از نظر بصری زشت به نظر می آید و به همین لحاظ بر آلودگی های بصری شهر می افزاید و از عوامل آلوده کننده به لحاظ بصری محسوب می شود این ویژگی می تواند در شهرهایی با سابقه طولانی مثل شوشتر که دارای انبوه بافت های قدیمی تاریخی هستند از عوامل اصلی آلودگی بصری محسوب شوند.

در شهرهایی که قدمت تاریخی زیادی دارند فرسودگی بناهای تاریخی و همچنین بافت های قدیمی که بی توجهی مردم و مسئولین نسبت به آنها موجب تشدید آلودگی بصری آنها گردیده، در سطح شهر به فراوانی در معرض دید مردم هستند. (تصویر ۱۴) آلودگی هوا و رطوبت موجود در شهر شوشتر موجب فرسودگی برخی بناها گردیده (تصویر ۱۱، ۱۷) فرسودگی در نقاشی های دیواری و تابلوها تصاویر زشت و آلوده ای را در سطح شهر در معرض دید شهروندان قرار داده است. (تصویر ۱۲) فرسودگی در عناصر شهری و مصالح ونماها نیز از دیگر موارد بوجود آورنده آلودگی بصری است. (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۲ - فرسودگی در نقاشی های دیواری در شوشتر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۱ - فرسودگی نقاشی های دیواری در نمای شهر  
منبع عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۴ - مخروبه های تاریخی موجود در سطح شهر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۳ - فرسودگی در مصالح ساختمانی، رنگ ها،  
عناصر شهری ثابت، در شوشتر - عکس؛ نگارنده

#### ۴- کثیفی

رهاسازی یا انباشت مواد زاید در محیط‌ها و فضاهای شهری باعث کاهش کیفیت محیط می‌شود و ریختن زباله در فضای شهری از سوی افراد در هر جامعه‌ای خود نوعی رفتار ضد اجتماعی و طبق مقررات اغلب جوامع مترقی جرم محسوب می‌شود. (صالحی، ۱۳۸۶: ۸۴) عبارت مواد زاید جامد (solid wastes) به مجموعه مواد ناشی از فعالیت‌های انسان و حیوان که معمولاً جامد بوده و به صورت ناخواسته و غیر قابل استفاده دور ریخته می‌شوند، اطلاق می‌شود. این تعریف به صورت کلی در بر گیرنده‌ی همه منابع، انواع طبقه بندی‌ها، ترکیب و خصوصیات مواد زاید بوده و به سه دسته کلی زباله شهری، زباله‌های صنعتی و زباله‌های خطرناک تقسیم می‌شوند. (عمرانی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۰) عمرانی زباله‌های شهری را به چند نوع طبقه بندی کرده است: ۱- زائدات غذایی که پسماند مواد غذایی را شامل می‌شوند. ۲- آشغال: که به قسمت فساد ناپذیر زباله بجز خاکستر گفته می‌شود. ۳- خاکستر ۴- زائدات ناشی از تخریب ساختمان سازی ۵- زائدات ویژه: این قسمت شامل مواد حاصل از جارو کردن خیابان‌ها و معابر بزرگ، درختان، اجساد حیوانات مرده و موادی که از وسایل نقلیه بجای مانده است، تشکیل می‌شود. زباله‌های صنعتی: زباله‌های صنعتی مواد زائد ناشی از فعالیت‌های صنعتی هستند و معمولاً شامل فلزات، مواد پلاستیکی، مواد شیمیایی هستند (همان) مقادیری از زباله‌های صنعتی نیز سبب ایجاد آلودگی می‌شوند مانند تصاویر و عکس‌های از بین رفته روی در و دیوار بنرها و تابلوهای پاره شده اما آلودگی هوا را می‌توان از جمله عامل‌های اصلی در کثیفی شهرها دانست که از نمای ساختمان‌ها گرفته تا کارهای گرافیکی و نقاشی‌های دیواری را کثیف می‌کند و از نظر بصری آلوده می‌نمایند.

با نظر بیشتر بر فضاهای شهری متوجه می‌شویم که بسیاری از شهرهای ما به رنگ خاکستری هستند. عناصر رنگی در شهرهای ایران شاید سیمای رنگارنگ زباله‌هایی باشد که در همه محیط‌های شهر و کنار جاده‌ها خودنمایی می‌کنند. هوای خاکستری شهرهای بزرگ، پل‌ها و ساختمان‌های بتنی و فضاهای سبزی که از فرط آلودگی هوا سبزی شان رنگ باخته است. مجالی برای عرض اندام رنگ شهرها باقی نمی‌گذارد. (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ص ۹۰) (تصویر ۱۷) رنگ آمیزی نامناسب و اغلب قدیمی، سلیقه‌ای و غالباً توسط مردم و صورت گرفته است موجب کثیفی در و دیوار سطح شهر از نظر بصری شده است. (تصویر ۱۵، ۱۸)

#### ۵- بی هویتی

هویت اصطلاحاً مجموعه‌ای از علایم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود که محتوی و مظهر این ظرف به مقتضای هر جامعه و ملت متفاوت و بیانگر نوعی وحدت، اتحاد، همشکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و عدم تفرقه است. (محرمی، ۱۳۸۳: ص ۶۷) تأثیر محیط بر هویت انسان یا به عبارتی رابطه هویت انسان با محیط دو مرحله دارد: یا انسان با فضای زیست احساس این همانی می‌کند یا اگر این احساس را نداشته باشد به تدریج این فضا بر او تأثیر می‌نهد و فرهنگ و رفتار او را به نحوی متحول می‌کند که حتی علی‌رغم میل خویش آن را بپذیرد



تصویر ۱۵- کثیفی در و دیوار شهر توسط زائدات بجای مانده از تبلیغات و رنگ آمیزی‌های نامناسب در شوشتر - عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۶ - کثیفی موجود بر در و دیوار شهر عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۷ - تأثیرات آلودگی هوا بر نمای اماکن در سطح شهر و همچنین بازمانده‌های تبلیغات بر دیوارها - عکس؛ نگارنده



تصویر ۱۸ - وجود مواد زاید ساختمانی و رنگ آمیزی‌های نامناسب و مصالح زیر در نما عکس؛ نگارنده

و بیندارد که جز آن راهی نیست. (گشایش، ۱۳۸۱: ص ۶۹) بنابراین احساس هویت یا احساس این همانی انسان با فضا و محیط خویش یکی از روش ها یا فرایندهای تاثیر محیط بر انسان است که هویت خویش (بویژه هویت تاریخی و فرهنگی خود) را در هویت محیط جست و جو می کند و به عبارت دیگر هویت محیط را هویت خویش می پندارد. (آسیایی، ۱۳۹۲: ص ۷۴)

بنابراین در بحث طراحی گرافیک محیطی و عوامل و المان های شهری آن اگر به هویت و فرهنگ شهر توجه نشود و کارهایی انجام شده هم راستا با هویت و فرهنگ شهر نباشد بی هویتی در منظر شهری بوجود می آید که به آلودگی بصری از نظر ادراکی منجر می شود. (تصویر ۱۹، ۲۰) شهرهای ما ارزش های سنتی را کنار گذاشته اند اما وارد دنیای مدرن نشده اند. باید رابطه سالمی میان سنت و مدرنیته ایجاد نمود و نباید یکی را به نفع دیگری از میان برد. سنت می تواند در تعامل با نوگرایی باشد. یکی از اهداف شهرسازی تعالی بخشیدن به زیستن است. نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و اداب جامعه نیست، بلکه نوگرایی عبارت از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش های فرهنگی و بهره گیری از آرای و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آن ها خواهد بود. (نصر، ۱۳۹۲: ص ۲۷۳) وجود المان ها و نماد های گرافیکی موجود بر در و دیوار یک شهر ایرانی - اسلامی که نامتناسب با هویت این شهر است موجب بحران هویت بصری در این شهر خواهد شد و تصاویر بی هویتی را در معرض دید شهروندان قرار می دهد. معماری های نوین که بیشتر بعد زیبایی و مدرن را مد نظر خود قرار داده بیشتر موجب بی هویتی بعضی از فضاهای موجود در شهر شوشتر شده است. همانطور که قبلا اشاره شد در دوره های مختلف عصر حاضر مصالح گوناگون برای نمای ساختمان ها استفاده شده است که قرار گرفتن آنها امروزه در کنار هم موجب بی هویتی برخی از فضاهای شهر شده است. (تصاویر ۲۰، ۲۱) در معماری های نوین نیز هیچ توجهی نسبت به استفاده از عناصر و ویژگی های معماری اسلامی - ایرانی نشده است که این خود موجب ساخت ساختمان های بدون هویت در این شهر شده است. (تصویر ۲۱، ۲۲)

## ۶- رنگ (بدرنگی)

امروزه کارشناسان سازمان زیباسازی شهری معتقدند که توجه نکردن به اصول زیباسازی شهری در مدیریت و طراحی و اجرای آثار گرافیک محیطی از جمله رنگ آمیزی و نقاشی غیر اصولی و بی رویه معابر، باعث هرج و مرج و آلودگی بصری در شهرهای پیشرفته می شود. گاهی متناسب نبودن این موارد با معماری محیط و گاهی نیز بافت معماری ناهماهنگ با سایر عوامل بصری به این نابسامانی دامن می زند. (موسوی لر، ۱۳۹۱ شمیلی، ص ۵۳) (تصویر ۲۵، ۲۴، ۲۶) در گذشته رنگ طبیعی بناها و فضاهای شهری، چهره های هماهنگ و همگون به شهر می داد و با اقلیم، روحیه و فرهنگ مردم نیز بیشتر مطابقت داشت. استفاده از انواع سنگ های رنگی، خشت و گل و چوب و سایر مصالح به دلیل مدهای معماری گذرا و یا عاملی جهت بیان تفاخر اجتماعی افراد و گروهها نبود. بلکه این ضرورت و امکانات محیطی بود که شهرها را رنگ آمیزی می کرد. بنابراین رنگ هر شهر تثبیت شده بود و جنبه ای از هویت آن محسوب می شد و با وجود تفاوت در مقیاس و عملکردها نوعی وحدت کلی بر سراسر شهر حاکم بود. (فردوسی، ۱۳۹۳: ص ۶۹) نمود بارز استفاده از رنگ که منجر به آلودگی در شهر می شود را می توان در نقاشی های دیواری و



تصویر ۱۹- بی هویتی در فضای کوچه ها و خیابان های شهر - عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۰- بی هویتی معماری جدید نسبت به هویت ایرانی - اسلامی شهر شوشتر عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۱- بی هویتی در نما های ساختمان ها در دوره های مختلف - عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۲- تضاد هویتی ساختمان بانک با المان وسط میدان ۱۷ شهریور شوشتر عکس؛ نگارنده



تبلیغات مشاهده کرد.

ایرج اسکندری از نقاشان معروف کشور منتقد است از سال های پس از انقلاب، هنرمندان نقاش بسیاری به هنر نقاشی دیواری روی آورده و دست به خلق شاهکارهایی زده اند که برخی از آنها ارزش ثبت در فهرست میراث ملی را داشته است. این هنر اگر چه در سال های اخیر نیز روی دیوارهای کلانشهرها خودنمایی ویژه می کند، اما بسیاری از آنها نه فقط هیچ زیبایی به شهر نداده، بلکه بر اغتشاش بصری هم منجر شده و گاه آنقدر نادرست و بی تناسب روی فضاهای عریان شهری نشسته است که بسیاری از شهروندان داشتن شهری بی روح و رنگ را ترجیح می دهند او از معتقد است که نقاشی های کشیده شده بر دیوارهای شهر، نه فقط هیچ پیامی را به مخاطب و شهروند نمی دهد، بلکه پیام های غیر مرتبط و گاه کاذبی را به مخاطب منتقل می کند. او می گوید: از اصول نقاشی دیوار شهری این است که فرم با محتوی و موقعیت جغرافیایی نقاشی نیز همخوانی داشته باشد نه این که مثلاً روی دیوار شهر بادگیرهای یزد را ببینیم، در حالی که پشت دیوار ساختمان غول آسایی است که به بر هم زدن آرامش شهروندان منجر می شود. (اسکندری، ۱۹ آذر ۱۳۹۱) حسینی لاهیجی هنرمند معاصر در مصاحبه با روزنامه ایران می گوید: «بسیاری از مردم معتقدند در شهرهای ما به قدر کافی رنگ وجود ندارد و به همین دلیل شهرها، خاکستری و دلمرده به نظر می رسند، در صورتی که نظر متخصصان و اساتید دانشگاه بر این است که استفاده نابجا از رنگ های مختلف و پیچیدگی بصری که آنها به وجود آورده اند، به جای تاثیر گذاری مناسب، حالت دافعه و معکوس ایجاد می کند. به عنوان نمونه رنگ آمیزی نرده های شهری به رنگ سبز و زرد که در بسیاری از خیابان ها به چشم می خورد و این استفاده نابجا از این رنگ ها به آشفته گی بصری دامن می زند، در این حالت کیفیت رنگ، مفهوم اصلی خود را از دست می دهد و به جای اینکه محیط را زیبا و مردم را شاد کند نتیجه عکس خواهد داد. وی درباره رنگ آمیزی جداول می افزاید: به راستی چرا ما تمامی جداول شهرمان را رنگ میزنیم؟ سالانه میلیاردها تومان هزینه صرف رنگ آمیزی جداول می شود، در حالی که این کار با کیفیت پایینی انجام می شود. از طرفی شاهدیم که تازگی و نو بودن این رنگ ها فقط به مدت یک ماه است، اما با این حال حدود ۱۵ سال است که این رنگ آمیزی در شهرهای مختلف ایران رواج پیدا کرده است.» (حسینی لاهیجی، ۱۳۹۰: ۴۸۴۴)

### - دیوارنگاری ها در سطح شهر

دیوارنگاری یا گرافیتی به تصویر کردن نقش ها، اشکال، حرف ها، نشانه ها، نمادها، الگوها و کلمه ها بر روی دیوارها و یا هر مکان عمومی ای که بتوان از آن به عنوان مکان برای نوشتن، نقاشی، کنده کاری و خط کشی کردن استفاده کرد، گفته می شود دیوار نگاشته ها، هرگونه علامت گذاری ای به حساب می آیند که می توانند در شکل های نوشتن ساده حرف ها تا نقاشی استادانه ظاهر شوند. (نادری، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

- دیوارنگاری ها به دو دسته طبقه بندی می شوند: ۱- دیوارنگاری مردمی: دیوارنویسی های مردمی خود به دو دسته تقسیم می شوند: تبلیغاتی و پیاده سازی طرح ها و اشکالی تقریباً جذاب. دسته نخست بیشتر گویای مسایل سیاسی روز مخالفت با سامانه حاکم و یا تبلیغات مشاغل و آگهی هاست. (تصویر ۲۸، ۲۹، ۲۷) ۲- دیوارنگاری حکومتی: دسته دوم در



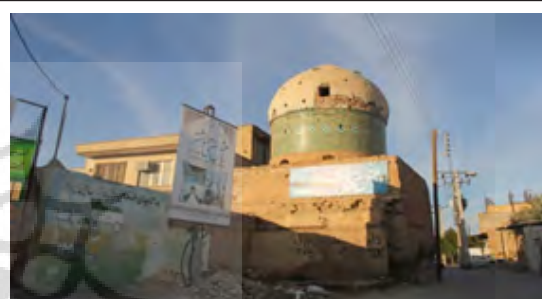
تصویر ۲۴ - دیوار نوشته ها و نقاشی های دیواری موجود در شهر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۳ - دیوارنگاره های موجود در شهر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۶ - وجود گرافیتی ها و تبلیغات بر دیوار های شوشتر نو  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۵ - دیوارنگاره و تبلیغات در کنار اماکن تاریخی  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۸ - گرافیتی های تبلیغاتی نامناسب بر دیوارهای شهر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۷ - گرافیتی های تبلیغاتی نامناسب بر دیوارهای شهر - عکس؛ نگارنده



تصویر ۳۰ - دیوار نوشته های تبلیغاتی موجود در شهر  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۲۹ - گرافیتی های وندالیسمی در سطح شهر  
عکس؛ نگارنده



خدمت تبلیغات عقیدتی حاکم و نمایان ساختن برنامه های ایدئولوژیکی حکومت است. (نادری، ۱۳۹۴: ۱۶۶ و ۱۶۵) دیوار نوشته در دوران پس از جنگ اغلب عبارت بودند از جملات و احادیثی که حامل پیامهای مذهبی و تبلیغاتی و... بودند و بر دیوار پیاده روها نوشته می شدند و با حاشیه های تزئینی قاب گرفته می شدند. (تصویر ۲۳، ۲۴) دیوارنگاری های تبلیغاتی نیز که به صورت محدود از دوران پهلوی آغاز شدند. در این دوره رونق بیشتری گرفتند و علاوه بر دیوارها، بر روی بیلبوردها، اتوبوس های درون شهری و... نیز اجرا شدند. (میراسکندری، ۱۳۹۱: ۷۳) بسیاری از این دیوار نوشته ها را یک نوع وندالیسم گرافیتی بوجود می آورد که باعث آلودگی بصری و نمای خیلی زشت شهرها می شود. جیسون و ویلسون نوع دیگری از وندالیسم را با عنوان وندالیسم ایدئولوژیک تعریف کرده اند که منظور از آن، آسیب رسانی به خاطر رساندن یک پیغام است و دیوار نویسی های شعاری، سیاسی و تبلیغاتی را شامل می شود. (باللی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۱) (تصویر ۲۷، ۲۸، ۲۹) در حالی که ادعای گرافیتی این است که روشی برای اصلاح عرصه عمومی است. مخالفان گرافیتی آن را نوعی مزاحمت و دردسر ناخواسته یا نوعی وندالیسم پر هزینه که مستلزم تعمیر اموال تخریب شده است، تلقی می کنند. از این منظر، گرافیتی را می توان مسئله ای مربوط به «کیفیت زندگی» در شهرها دانست. زیرا گرافیتی از نظر بسیاری چهره شهرها را زشت می کند و از این نظر کیفیت زندگی در محله های زیبا را از بین می برد. به نظر مخالفان حضور تصاویر، گرافیتی بر در و دیوار شهرها نوعی حس ادبار و نکبت را بر می انگیزد و احساس ترس از جرم را افزایش می دهد. (کوشی، ۱۳۸۹: ۸۰) نقاشی های دیواری هم در سطوح مختلف شهر دیده می شود که برخی از آنها فرسوده و رنگ و رو رفته هستند و برخی هم در جاهای نامتناسب با محیط خود کشیده شده اند مانند برخی از نقاشی ها و رنگ آمیزی ها که در کنار اماکن تاریخی به چشم می خورد که بدترین آلودگی های بصری را بوجود آورده اند. (تصویر ۲۳، ۳۰) از گرافیتی های موجود در شهر شوشتر هم نمی توان چشم پوشید و بسیاری از آنها در فضای بصری شهر به چشم می خورد و باعث آلودگی هر چه بیشتر محیط شهر از نظر بصری شده اند، بیشتر این گرافیتی ها تبلیغات مردمی و برخی از آنها هم کارهای وندالیسمی هستند که برخی از آنها کنار و یا بر روی اماکن تاریخی بعضاً مهم نوشته شده است و بسیار مشمئز کننده است. (تصویر ۲۶، ۲۷)

#### ۷- نور (استفاده ناصحیح از نور)

آلودگی نوری عبارت است از «هرگونه اثر منفی نور مصنوعی شامل انعکاس نور در آسمان، درخشش وارد شدن نور به محدوده خصوصی، اغتشاش نوری، کاهش قابلیت در شب و هدر روی انرژی (افخمی، ۱۳۹۲: ۱۴) نورهای مصنوعی که در زمان یا مکان نامناسب از استاندارد خود خارج شده و با کیفیت نامطلوبشان محیط زیست و آسمان شب را آزار دهنده و آلوده سازد» آلودگی نوری» می نامیم. (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵) ایجاد روشنایی در نقاط غیر از نقاط هدف، می تواند آلودگی نوری تعبیر شود. (بیطرف و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲)

آلودگی نوری، جایگزین کردن نور طبیعی در شب، با نورهای غیرطبیعی در محیط است، اصطلاح آلودگی نوری، اصطلاحی پذیرفته شده برای اثرات زیان آور روشنایی مصنوعی به روی انسان ها و طبیعت است. منشا آلودگی نوری بیشتر روشنایی خیابانها، جاده ها، پل ها، فرودگاه ها،



تصویر ۳۲ - درخشش و انعکاس نور در میداین  
عکس؛ نگارنده



تصویر ۳۱ - درخشش و انعکاس نور در آسمان توسط  
تابلوهای دیجیتالی و چراغ برق ها - عکس؛ نگارنده

مرکز تجاری-صنعتی، پارکینگ ها، مراکز ورزش و خانه ها است که بطور مناسب طراحی و نصب نشده باشد. (رمضانی و همکاران، ۶۹، ۱۳۹۲) (تصویر ۳۱) اصطلاح کلی آلودگی نوری به مشکلات چندگانه ای می گویند که به وسیله استفاده کم بازده، آزاردهنده، افزون بر نیاز یا غیرمنطقی از نور مصنوعی ایجاد می شود. (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۳۰۵) (تصویر ۳۲)

### نتیجه

زیبایی در واقع دارای مراتب است که هر چه از ویژگی ها و عوامل زیباساز و قوانین زیبایی دور شویم به همان مقدار به سمت زشتی می رویم و می توان در بیشتر موارد فقدان زیبایی را زشتی نامید. زشتی و زیبایی امری نسبی است و از دید ناظر، کیفیات زیبایی می تواند متفاوت ادراک شود، شاید یک میمون از نظر انسان ها زشت بنماید ولی در بین خود آنها زیباترینشان باشد. انسان که طبیعت را شناخته کره زمین خانه و محیط همراه او بوده، در قرن های گذشته محیطی انسان ساخت را برای خود بوجود آورده است. همیشه این دخل و تصرف در محیط با انگیزه های زیبا شناسانه نبوده و در بسیاری از موارد سود اقتصادی بیشتر و برای سلطه بر طبیعت به منظور منفعت بیشتر انجام گرفته است. در مواردی که توجه به بعد زیبایی شناسانه کم و یا اصلا وجود ندارد. دخل و تصرف در محیط با چنین رویکردی محیط های آلوده و زشتی را از نظر روانی و ذهنی و ادراک بوجود می آورد که غالبا بر روان خود انسان تأثیر منفی می گذارد. زیبایی دو جنبه ذهنی و عینی دارد، عوامل ذهنی که توسط انسان از محیط به صورت زشتی و یا آلوده از نظر بصری ادراک می شود و بر روان آن تأثیر می گذارد بصورت زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - ناهماهنگی ۲ - فرسودگی ۳ - ازدحام ۴ - بی هویتی ۵ - کثیفی ۶ - رنگ ۷ - نور ناهماهنگی که با بکارگیری نماهای مختلف در زمان های مختلف بوجود می آید و ناهماهنگی که عناصر شهری با نماها و جدار خیابان ها؛ کلیت شهر ایرانی - اسلامی بوجود می آورند موجب نوعی از آلودگی بصری می شود که به اغتشاش بصری شهرها دامن می زند. با توجه به نظریه گشتالت این ناهماهنگی ها آن کلیتی را که با عنوان شهر ایرانی اسلامی از آن یاد

می شود و محیطی امن و دارای آسایش است برای شهروند فراهم نمی کند و موجب آسیب های روانی و جبران ناپذیر می شود. گرایش عنصر زمان به اصل آنتروپی موجب فرسودگی محیط انسان ساخت می شود. این فرسودگی در سیمای گرافیکی شهر سریع تر رخ می دهد به همین خاطر است که ما در اطراف خودمان نقاشی های دیواری فرسوده، تبلیغات فرسوده، آگهی ها و بنرهای فرسوده، رنگ آمیزی ها و معماری های فرسوده ای را می بینیم که موجب نوعی از آلودگی بصری در سطح شهر می شوند و هر چند سال مورد ترمیم و جایگزینی از سوی مراکز و سازمان های زیربط مانند شهرداری قرار می گیرند. مولفه بحران هویت و بی هویتی که در فضاها و عناصر و المان های محیطی سطح شهر وجود دارد، موجب تضعیف حس تعلق مکانی شهروندان می شود. همه این موارد عواملی ذهنی است که وجود آنها در محیط موجب آلودگی بصری برای انسان از محیط می شوند بگونه ای که از بقایای تبلیغات بر در و دیوار و یا فرسودگی نقاشی ها، یک تصویر ذهنی از محیط ادراک می شود که احساس کثیف بودن محیط پیرامون را در ما بر می انگیزد. اینها عواملی هستند که بصورت ادراک انسان مورد توجه قرار می گیرند و می توان اینطور نتیجه گرفت که زشتی یا آلودگی محیط باعث ادراک زشتی و پریشانی خاطر شهروندان می شود.

#### منابع:

- آسیایی، محمد، (۱۳۹۲)، درک و بیان محیط شهری، جلد اول، طحان، تهران.
- اسکندری، ایرج، (۱۹ آذر ۱۳۹۱)، نقاشی دیواری شناسنامه رنگی شهر، روزنامه جام جم، یکشنبه، ۱۹ آذر ۱۳۹۱.
- اسماعیلی، علیرضا، آلودگی بصری معضل جدید شهر ها، حمل و نقل و توسعه، شماره ۶۹، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- اسمعیلیان، سحر، پورجعفری، محمدرضا، در جستجوی معیارهای شکل دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران، نمونه موردی: اصفهان، در دشت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۸۵ - ۶۵.
- افخمی، روح اله، (۱۳۹۲)، آلودگی نوری و پیامد های منفی آن بر حفاظت از تنوع زیستی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۲.
- امیرتو آکو، ترجمه صفورا فضل الهی، (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، زیبایی شناسی (برگردانی از مقدمه کتاب درباره زشتی نوشته امیرتو آکو)، فصلنامه نقد کتاب هنر، سال اول، شماره ۱، ۲، ۱۶۷ تا ۱۷۵.
- ایمانی، هادی، رضائی، علی، ارجنگ، اردلان (۱۳۹۲)، آلودگی نوری تعاریف و بررسی اثرات نامطلوب آن بر سلامت انسان. ارائه راهکار، مقالات کنفرانس آلودگی نوری، دانشگاه یزد.
- بحرینی، سید حسین، (۱۳۷۵)، تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- بدلزاده نوین، بهزاد، دوستی مهر، ملیسا، (۱۳۹۰)، بررسی کاربرد نظریه گشتالت در طراحی معماری محیطی با رویکرد رفتار انسانی، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، فروردین.
- بیطرف، فرشید، علی اصغری، رضا، سمیعی مقدم، محمود، (۱۳۹۲)، تعیین ارتباط بین ارتفاع نصب و زاویه تابش روشنایی معابر در کاهش نورپردازی نقاط غیر هدف، مقالات کنفرانس آلودگی نوری، دانشگاه یزد.
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
- توپچی سانی، علی، (۱۳۸۹)، بازآفرینی شهری پایدار، رهیافت نوین مداخله در بافت های فرسوده شهر محمود محمدی، دانشگاه هنر اصفهان، گروه شهر سازی.
- تولایی، نوین، (بهار ۱۳۸۲)، فضای شهری و روابط اجتماعی - فرهنگی، ماهنامه پژوهش فرهنگی، دوره جدید، شماره ۵، از ۱۰۹ تا ۱۴۰.
- جعفری جلالی، بهنام، (بهار ۱۳۸۶)، نازیباشناختی، شماره ۱۶، از ۱۵۵ تا ۱۶۲.
- حسین زاده دلیر، کریم، بابایی اقدام، فریدون، صدرموسوی، میرستار، (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز، مجله جغرافیا و توسعه.
- حسینی لاهیجی، سید رضا، (پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۰)، ایران فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۴۸۴۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، (۱۳۷۲) جلد اول (آردی)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۸۴.
- راست بین، ساجد، جعفری، یاسر، دارم، یاسمن، معززی مهر ظهران، امیر محمد، (تابستان ۱۳۹۱) رابطه همبستگی بین کیفیت های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه های عمومی (نمونه موردی: اصفهان)، باغ نظر، شماره ۲۱، سال نهم، ۳۷.
- رضائی، علی، فکازی، سید ابراهیم، حسنی، رضا، (۱۳۹۲)، بررسی روش های اندازه گیری آلودگی نوری با مطالعه موردی محدوده شهری تبریز، مقالات کنفرانس آلودگی نوری.
- زیاری، کرامت، (۱۳۹۱)، اولویت بخشی به ایمن سازی بافت فرسوده کرج، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹، صفحات ۱ تا ۱۴.
- سادات نیا، سعید، (خرداد ۱۳۹۲)، روزنامه تهران پایتخت ایران، سال هفدهم، شماره ۴۷۹۸، ۲.
- سجادی، ژیلدا، (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی - فضایی در بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت مرکزی مشهد، سردشت)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال دوم، شماره ششم ۷۰ - ۵۵.
- شاهچراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا، (۱۳۹۴)، محاط در محیط، تهران، سازمان جهاد دانشگاهی تهران، انتشارات.
- صالحی، اسماعیل، (زمستان ۱۳۸۶)، نقش آسایش محیطی فضاهای شهری در پیشگیری از ناهنجاری های رفتاری، محیط شناسی، سال سی و سوم، شماره ۴۴، صفحه ۹۴ - ۸۳.
- صفامنش، کامران، (۱۳۷۳)، طرح بهسازی خیابان های لاله زار، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- عمرانی، قاسم علی (۱۳۹۱)، مدیریت زباله های شهری، ماهنامه دانش نما، سال بیست و یکم، شماره ۲۱۳ - ۲۱۴.
- عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۷)، مجموعه یادداشت های نوسازی بافت های فرسوده، سازمان نوسازی شهری، جلد یک، چاپ اول، تهران.
- فردوسی، سجاد، سمیری، تارا، طبسی، ایمان، (پاییز ۱۳۹۳)، اهمیت رنگ در فضای شهری، نشریه علمی ترویجی مطالعات در دنیای رنگ، جلد چهارم، شماره سوم.

- فکوهی، ناصر، (۱۳۹۵)، الف ۱۳۸۳، انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی. چاپ دهم.
- کاشفی، محمد صادق، تابستان (۱۳۹۲)، گذار زیبا شناسی از امر زیبا به ورطه مفاهیم زیباشناختی (معرفی و تحلیل مفاهیم زیباشناختی از دیدگاه فرانک سیلی، فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۷).
- کوثری، مسعود، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، گرافیتی به منزله‌ی هنر اعتراض، جامعه شناسی هنر و ادبیات، سال دوم، شماره اول.
- گشایش، فرهاد، (۱۳۸۱) جهانی شدن فرهنگ هویت، نشر نی، تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۲)، سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محرمی، توحید، (۱۳۸۳)، هویت ایرانی - اسلامی ما در هویت ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰)، روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۴.
- مور، رونالد، (بهار ۱۳۸۶)، ترجمه: علایی، مشیت، زشتی، هنر و معماری، زیباشناخت، شماره ۱۶.
- موسوی لری، اشرف السادات، شمیلی، فرنوش، (۱۳۹۱)، ساختار بصری نقاشی های دیواری تبریز (در سه دهه اخیر) جلوه هنر، شماره ۸.
- مهدی زاده، جواد، (۱۳۸۳)، جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی.
- میراسکندری، فریبا، عمری، نازنین، (زمستان ۱۳۹۱)، شناخت فرهنگ دیوارنگاری های خیابان ولیعصر شهر تهران، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایرانی، سال دوم، شماره هفتم، صفحات ۶۹ تا ۸۹.
- نادری، منیره، (۱۳۹۴)، جایگاه نقاشی دیواری (دیوارنگاشت) در مدیریت منظر شهری و نقش آن بر زیبایی شناخت شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۱، زمستان.
- نجابتی، مسعود، (۱۳۹۲)، آلودگی بصری دوشادوش آلودگی هوا، روزنامه جام جم، ۱۶ مهر.
- نصر، طاهره، ماجدی، حمید، (پاییز و زمستان ۱۳۹۲) نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی، معماری و شهرسازی آرماتشهر، شماره ۱۱.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۱)، معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت، فصلنامه راهبردی شماره ۲۶.

- Visuals crowding: a fundamental limit on conscious perception and object recognition by David Whitney and Dennis M. Levi, 2011, p 160 - 168